

توضیحات مختصر

کنفرانس پیرامون ارتباط میان سیستم های رسمی و عرفی در افغانستان 2006 - 14 دسامبر کابل - افغانستان

امروز در افغانستان سیستم قضایی رسمی، که در تلاش است بعد از سه دهه جنگ و اغتشاش روی پای خود بایستد، در پهلوی یک سیستم عرفی، نیرومند و متنوع حل منازعات به فعالیت ادامه می دهد. حکومت جدید در کابل، به کمک جامعه بین المللی، در تلاش است تا سیستم قضایی رسمی را به حیث پایه اساسی استقرار حکومت قانون باز سازی کند. قانون اساسی جدید ساخته شده و قوانین جدید دیگر ساخته شدن اند؛ تعمیر برای محاکم جدیداً ساخته شده و یا تعمیر های قبلی ترمیم و بازسازی می شوند؛ قصاصات و سارنوال های آموزش داده می شوند؛ و بر نصاب درسی (ترمیمه کردن های قضائی) تجدید نظر می شود. با این همه، بعد از 25 سال جنگ و تخریب تدریجی موسسات دولتی، ساختار های حل منازعات غیر دولتی در مناطق روستائی تسلط دارد و در مناطق شهری نیز بسیاری از مردم از آن ها استفاده می کنند.

بسیاری از افغان ها به موسسات قضایی دولتی دسترسی ندارند. آنهایی که به آن دسترسی دارند به ندرت از آن استفاده می کنند. به جای آن، بسیاری از افغان ها برای حل منازعات خود با استفاده از رواجاها، روابط قبایلی، قوانین اسلامی، و ساختار های موجود قدرت استفاده به عمل می آورند. اما نتایج بدست آمده از سیستم های غیر رسمی چنان مطلوب نیست. در بهترین شکل آن، چنین قضاوت ها بر اساس تمایل حفظ همبستگی اجتماعی و نظریه غیر جانبداری استوار بوده و قضایا طوری حل می شوند که بیوستگی جامعه را حفظ نماید. علاوه بر آن این تصامیم اکثرآ قابل تطبیق نبوده، به ندرت ثبت شده و باور های اجتماعی جنجال بر انگیز، مثل عدم مشارکت زن ها، را تقویه می کند. در بد ترین شکل آن، بعضی از ارگان های تأمین عدالت به شیوه سننی باعث ادامه نقض حقوق بشر به شکل وسیع آن، مانند نکاح اجباری و قتل های غیر رسمی (خارج حکم قضا) می گردد. با وجود این کاستی ها، دادگاه های بنا یافته بر قاعدة اجتماعی بیشتر از سیستم قضایی دولتی به مردم قابل دسترسی بوده و در بسیاری از حالات از مشروعيت بیشتر برخوردار اند.

راهی به پیش

دولت افغانستان مسئول حفظ حقوق اتباع خود و آماده نمودن زمینه دسترسی آنها به موسسات قضایی موثر و حسابده است. در عین زمان، دولت نمی تواند مردم را از از مراجعته به ساختار های غیر رسمی حل منازعات منع نماید. دولت به جای اینکه سران محلی را آزرده بسازد، باید بکوشد به مشروعيت خود در میان آنها افزایش دهد. با ایجاد رابطه مثبت میان سیستم های رسمی و غیر رسمی قضایی، دولت می تواند از نیروی مثبت شورا ها و جرگه ها استفاده برد و در عین زمان باید بکوشد تا از موارد استفاده نادرست از آنها جلوگیری نماید.

طبق ستراتیژی "عدالت برای همه"، دولت افغانستان در حالیکه نکات مثبتی را در ساختار های سننی (تأمین عدالت)، به شمول نقش آنها در حفظ همبستگی جامعه و دستیابی مردم محل به ساختار های حل منازعات، مبییند، از اثرات نا مطلوبی که این ساختار ها بر حاکمیت سیستم دولتی و حقوق بشر دارند، نیز آگاه می باشد. ستراتیژی دولت خواستار برنامه ای برای بررسی رابطه میان بخش های رسمی و غیر رسمی، انجام مذکوره در سطح محلی و ملی و انکشاف سیاستی است که باعث ایجاد آینده ای با کفایت، حسابده و بهم بیوسته گردد.

وزارت عدله افغانستان و همکارانش، انسٹیتوت ایالات متحده برای صلح (یو اس آی پی) و دانشکده فلچر در پوهنتون تفت، بر آورده شدن این اهداف را از طریق یک پروژه تحقیقی و مشاورتی چندین ساله تعقیب می نمایند. اول، (یو اس آی پی) مطالعه عملکرد های سننی و عصری در افغانستان، انکشاف تدریجی و رابطه آن با سیستم رسمی تأمین عدالت را تمویل نمود. دوم، در اواخر سال 2005 و اوایل 2006 (یو اس آی پی) در همکاری با وزارت عدله، ستره محکمه، دفتر لوی سارنوال، وزارت داخله، کمیسیون حقوق بشر افغانستان و

یوناما، یک سلسله مشوره ها را در چهار منطقه در افغانستان روی سیستم های عدی رسمی و غیر رسمی در بیشتر از 20 ولایت به راه انداخت تا موقعیت هر کدام از این دو سیستم تعین شده، و رابطه متقابل آن دو با هم و برداشت هر کدام از طرف مقابل معلوم شده و پروسه گفت و شنود آغاز گردد. چندین نکته کلیدی طی این تحقیق بدست آمد که ذیلاً بیان می شود.

کنفرانس

مرحله بعدی این کار شامل تدویر یک کنفرانس و کارگاه می شود که از طرف وزارت عدیه، یو اس آی پی، و AREU (از 10 تا 14 دسامبر 2006 در کابل دایر می شود. این کنفرانس نتایج تحقیقات و مذاکرات انجام شده را شامل پروسه پالیسی سازی در سطح ملی می سازد. هدف کنفرانس این است، که افراد مربوطها از دولت، سیستم غیر رسمی، جامعه مندنی، و جامعه کمک دهنده را گرد هم جمع نمایند تا آنها در مورد شکل پالیسی و راه های حل عملی در ارتباط به فعل و افعال میان سیستم رسمی و غیر رسمی ابراز نظر نمایند.

این گفتگو ها کاملاً عاری از خطر نیست. از نظر دولت، سیستم غیر رسمی تأمین عدالت تهدیدی را متوجه حاکمیت دولت می سازد. در بسیاری از مناطق منازعات جنابهی به جای محاکمه در جرگه ها حل و فصل می شوند. در حالیکه این کار شاید به این خاطر با ارزش باشد که رفع نزاع بین طرفین صورت گرفته و یا سبب جبران خسارت می شود، اما این کار وظیفه دولت را که تأمین عدالت و گرفتن حق الله است، زیر سوال می برد. ترس آن می رود که شناسایی سیستم غیر رسمی برای اعمالی که ناقض حقوق بشر به حساب می آیند، مثل دادن بد (ازدواج اجباری یک دختر به خاطر جبران خسارت و یا مصالحه)، مشروعیت ببخشد. تشویش نیز وجود دارد که توجه به سیستم غیر رسمی باعث کم شدن منابع محدودی شود که اکنون در اختیار سیستم رسمی قرار دارد. از دید کسانی که در خارج از دولت قرار دارند، تحمیل سیستم رسمی قضایی را نوعی مداخله غیر ضروری در امری می دانند که باید به جامعه گذاشته شود. دولت برای چندین سال به حیث یک نهاد فاسد و ضایع کننده عمل نموده است. اکثرآ کوشش شد تا کمونیزم و یا نظریات افراطی اسلامی بر مردم تحمیل شود و کاری در جهت رفاه مردم انجام نیافت. ولی جرگه ها و شورا ها از عنعناتی نمایندگی می کنند که به ارزش ها محلی احترام داشته و زمانی که سیستم های دیگر در حال فروپاشی بودند آنها وحدت و نظم جامعه را حفظ نمودند. آن ها همچنین تلاش می کردند که حق العبد (جبران خسارت) به صاحبان شان پرداخته شود. با در نظر داشت ضعف موجود در نظام عدی دولت و عدم احترام آنها به سیستم غیر رسمی، زمینه همکاری میان دو سیستم کم است.

اما در شرایط فعلی بدیل بهتری برای همکاری وجود ندارد. ضرورت زیاد به یک ساختار موثر حل منازعات در زمانی احساس می شود که ثبات کشور هنوز شکننده است. نایاب عناصر مثبت سیستم رسمی دولتی رد شود. یکی از یافته های مهم مشوره های منطقی این است که درسطح محلی سیستم رسمی بر ساختار هایی که بر ساختار های محلی متنکی بوده و به صورت منظم به آن ها مراجعه می شود. این کار تعجب بر انگیز نیست، زیرا در گوشه های مختلف جهان سیستم های قضایی این شیوه را انتخاب کرده اند که به طرفین دعوا اجازه دهند تا مشکلات خود را در خارج از محکمه و بر اساس میانجیگری حل نمایند.

همزمان با آن، سیستم غیر رسمی در حل قضایی خارج از محل محدودیت داشته یا قادر نیست خشونت های انسجام یافته را حل نماید. یک حکومت نیرومند که خشونت را مهار و متجاوز را مجازات نموده و میان مردمان جوامع مختلف میانجیگری کند، از ضرورت های مطلق برای حفظ ثبات است. از نظر حقوق بشر، تماس سازنده با رهبران جوامع طی یک مدت طولانی باعث از میان رفتن روش های ظالمانه گردیده و راه را برای دستیابی وسیع به ساختار های محلی و موسسات دولتی مساعد می سازد.

یافته های تحقیق و بررسی

مسایل ذیل بخشی از یافته های کلیدی ای اند که از گفتگو ها و تحقیقاتی از آغاز راه اندازی پروژه بدست آمده است:

1. سیستم عدی دولتی و غیر دولتی در افغانستان نباید در برای هم قرار گیرند.

نظام عدی رسمی برای تأمین عدالت، برقراری ثبات، اقتصاد و مشروعیت دولت ضروری است. ولی، در شرایط فعلی سیستم عدی رسمی توأمندی آن را ندارد تا تمام ضرورت های عدی مردم افغانستان را تأمین کند. در عین زمان، حل منازعات به شیوه محلی ریشه در عنعنات افغان ها داشته و یکی از خدمات بسیار

ضروری را برای بسیاری از مردم فراهم می کند. در گوشه های جهان دولت های به صورت روز افزون راه ها متبادل برای حل دعاوی (مسایل اقتصادی و حتی مسایل جرمی کوچک) در خارج از محکم را جستجو می کنند. میانجیگری داوطلبانه اکثراً نتایج قناعت بخش و پایدارتری را نسبت به فیصله های محکم به بار می آورد.

2. سیستم غیر دولتی در افغانستان امروز عام و متعدد است.

سیستم حل منازعات غیر رسمی به خاطری برای حل مسایل عمومیت دارد که نزدیک تر، سریع تر، ارزان تر بوده و بر اصولی استوار است که مردم آنها ها را می شناسند و احترام می کنند (برخلاف قانون رسمی که برای اکثریت نا شناخته است). یک آمار کمی در مورد نظریات مردم که اخیراً انجام شد نشان داد که در مورد 85 درصد قضایا مردم ترجیح می دهند برای حل منازعه به شورای قریه و قبایلی، معززین منطقه و یا علمای دینی مراجعه نمایند و تنها 15 درصد مردم خواهان حل قضایا از طریق محکم دولتی اند. نحوه کار ساختار های غیر رسمی در مناطق مختلف از نگاه شکل و مهنتوا از هم متفاوت است. اما در میان آن ها بعضی نقاط اساسی مشترک وجود دارد: این ها به صورت عموم شکل داوطلبانه داشته، بر مردم با نفوذ محلی متکی بوده و تطبیق فیصله ها بیشتر به خاطر فشار های اجتماعی صورت می گیرد، تا توسل به زور.

3. لیکن بخش غیر دولتی بعضی ضعف های عمدۀ دارد.

سیستم غیر دولتی سه مشکل عده دارد. اول، به صورت عموم محکم غیر رسمی برای زن ها قابل دسترسی نمی باشد. علاوه بر آن، بعضی از عملکرد هاستنی ای که باعث نقض حقوق اساسی می گردد، مانند دادن بد (ازدواج یک زن به خاطر حل قضیه جران خسارت) از سوی سیستم غیر رسمی عملی می شود. دوم، سیستم هایی که بر جوامع محلی متکی اند، در حل مسایلی که بزرگ تر از محل باشد (مانند، برخورد های قومی و تجارت) موثریت ندارند. سوم، سیستمی که بر پایه های محلی استوار باشد به آسانی می تواند تحت تاثیر جنگ سالاران قرار گیرد (قیکه سیستم رسمی همین اکنون به این مشکل مواجه است). افراد زور مند محل تمایل به آن دارند تا از سیستم غیر رسمی سوء استفاده نموده و یا لا اقل فیصله های آن را نادیده بگیرند، زیرا تطبیق چنین فیصله های به تأیید جامعه صورت می گیرد، نه استفاده از زور.

4. در میان سیستم های رسمی و غیر رسمی به سطح محلی همکاری وجود دارد.

طی مباحثات، اکثریت مامورین دولتی محل از ضرورت وجود سیستم غیر رسمی به خاطر پر کردن خلا های موجود در سیستم دولتی صحبت می کنند. واقعاً قضايان، سارنوال ها، مامورین حقوق مندوبي و و لسوال ها به صورت متداوم قضایا را برای حل به سیستم غیر رسمی راجع می سازند. سارنوال یک و لسوالی چنین توضیح داد: "اسلام شورا و مشوره را برای حل منازعات همیشه توصیه می کند. شورا بخشی از زنگی اجتماعی افغان ها از زمانه های قدیم می باشد." مسئول دفتر حقوق توضیح داد که وظیفه او این است تا مشخص کند که طرفین دعوا به قاضی محل، و لسوال و یا موسفیدان محل فرستاده شوند. اکثریت قضایا به موسفیدان رجعت داده می شود. حتی بعضی از قضايان بعضی از فیصله های خارج از قضایا به حیث فیصلة محکمه ثبت می نمایند.

5. مسولین ولایتی در حل منازعات نقش اساسی بازی می کنند.

مقامات اجرائی، به شمول والی ها، و لسوال های و فرماندهان بولیس در حل منازعات مختلف در خارج از سیستم قضایی نقش فعالی بازی می کنند. مامورین اجرایی از گذشته ها این کار را می نمودند و در شرایط موجود این کار را جزئی از مسؤولیت های خود برای حفظ ثبات به شمار می آورند. این نقش طی سال های اخیر بر جسته تر گردیده زیرا برخلاف تعامل تاریخی اجر االت دولت، مامورین حکومت محلی اکثراً از مردمان محل اند، در حالی که قضايان از خارج محل کار خود می باشند. شواهدی در دست است که شورای های ولایتی جدیداً انتخاب شده، به حیث پلی میان مردم و دولت، به صورت وسیع در فعالیت ها برای حل منازعات دخالت می کنند.

6. لیکن مقامات اجرائی در مسایل قضایی بیش از حد مداخله می کنند.

مامورین قضایی در ولایات مرتباً از مداخلة مقامات اجرایی در کار محاکم و اجرات قضائی شکایت می‌کنند. این مسئله به دخالت بسیار وسیع مقامات اجرائی در حل منازعات مرتبط می‌شود. این کار سبب می‌شود تا مقامات قضایی در جریان قرار نگیرند، حتی در مواردی که مسائل شدیداً جرمی هم باشند. هم چنین شکایات مکرر صورت می‌گیرد که افراد نیرو مند می‌خواهند بر فیصله‌های قضایی تاثیر اداخته و یا از تطبیق فیصله‌های محاکم جلوگیری نمایند.

7. خودداری از مواجه شدن به فساد اداری انگیزه مهم برای استفاده از سیستم غیر رسمی را تشکیل می‌دهد.

دو نوع فساد دامنگیر سیستم قضایی افغانستان گردیده است، که عبارت اند از فساد مالی و فساد سیاسی. فساد مالی در تمام سطوح نظام قضایی ریشه دوانیده که از رشوت ستانی کوچک توسط پولیس و مامورین محاکم گرفته تا پرداخت پول های کلان به خاطر تقرر در مقامات رسمی دولت، توزیع زمین و دارائی های دیگر و تغییر در فیصله‌های محاکم. فساد سیاسی به شکل تلاش قدرت مندان غیر قابل دسترسی به محاسبه برای تضعیف حاکمیت قانون و به کار گیری نظام دولتی به خاطر برقراری سلطه شخصی، نیز همه گیر است. ترس از مواجه شدن به فساد مردم را از تماس با سیستم رسمی قضایی می‌ترساند، و عدم حسابگیری مشروعيت تمام دولت را زیر سوال می‌برد.

8. دسترسی زن‌ها به سیستم‌های محاکم رسمی و غیر رسمی هردو محدود است.

در هردو حالت، زن‌ها از مراجعت و دستیابی مستقیم به عدالت خود داری می‌ورزند، بلکه می‌خواهد از طریق یک نماینده مرد، اگر چه او در قضیه یک طرف دعوا هم باشد، به محاکم مراجعت نمایند. قضاتی که در شمال و جنوب کار نموده اند، می‌گویند در جنوب هیچگاه از محاکم به خاطر تأمین حقوق زن‌ها کار گرفته نمی‌شود، در حالیکه در شمال این کار به پیمانه زیاد صورت می‌گیرد. این عدم دسترسی عمومی به محاکم منجر به ضایع شدن حقوق زنان به شکل منظم می‌گردد. این باور وجود دارد که میزان بالای خود سوزی زنها در غرب و شرق قسمًا مربوط به این مسئله می‌شود که زنها به ساحت‌های انشاف محلات از طریق رسمی دسترسی ندارند. شواهدی در دست است که شرکت زن‌ها در شورا‌های انشاف محلات از برنامه همبستگی ملی دستیابی آنها به بحث‌ها روی مسائل محلی را بهبود بخشیده است.

9. منازعه بر سر مالکیت (زمین و ساختمان) بیشترین قضایا را نزد محاکم در سرا سر کشور تشکیل می‌دهد.

یک سلسله عوامل، مانند مهاجرت و اسکان به پیمانه وسیع، ده‌های جنگ و تغییر شکل جامعه، توزیع نادرست و مکرر منابع و فشار نفوس بالای ساحة محدود زمین، دست بدست هم داده اند تا مسئله نزاع بر سر مالکیت را شکل انفجاری و گسترشده بدهنند. به خاطر ارزش بالای این دعاوی و مسائل سیاسی، حل این نوع منازعات با استفاده از هر دو سیستم دولتی و غیر دولتی بسیار مشکل است. محاکم از زمان‌های دور به حیث مرکز ثبت ملکیت عمل نموده اند، اما اسناد رسمی محدود بوده و به خاطر فساد در دستگاه و تغییر دولت ها غیر قابل اعتبار اند. برتری ای که شورا‌های محلی در ارتباط به این مسئله دارند این است اعضای شورا در باره استقاده قبلی و چگونگی مهتوای اجتماعی منازعه معلومات می‌داشته باشند. در ساختار هایی که اسناد تحریری وجود نداشته باشد دسترسی به چنین معلومات در حل عادلانه دعوا کمک می‌نماید. گزارش‌ها می‌رسانند که در چندین حالت که منازعات به شکل داطلبانه در شوراها و جرگه حل و فصل شدند و تصامیم در محاکم ثبت گردیدند تا به نسل‌های آینده بمانند.

10. در قضایای جناهی بخش‌های دولتی و غیر دولتی نقش‌های مختلف ولی مکمل همیگر را بازی می‌کنند.

برای اصلاح و مجازات در قضایای جرمی بزرگ به سیستم رسمی ضرورت احساس می‌شود. قسمیکه یک سارنوال در ولایت بلخ گفت: ما دو نوع حقوق داریم، حق شخص (حق العبد) و حق خدا (حق الله). وظيفة دفتر سارنوالی این است که اجازه ندهد حق الله ضایع شود." سیستم غیر رسمی برای باز گرداندن همسویی در جامعه و جرمان خسار (حق العبد) به کار گرفته می‌شود. بسیاری در محاکم رسمی رسیدگی به مسائل جناهی را ساحه کاری خاص خود دانسته و احساس می‌کنند که حل منازعات جناهی در سیستم‌های غیر

رسمی سبب تضعیف حاکمیت قانون می‌گردد. در واقع والی‌ها، ولسوال‌ها، فرماندهان پولیس و سارنوالان مانند فلت عمل نموده و تصمیم می‌گیرند، که کدام قضایا به محاکم رجعت داده شده و در کجا به میانجیگری غیر دولتی نیاز است.

11. مراجعه به قانون و اصول اسلامی بنیاد هردو سیستم را تشکیل می‌دهد.

آنها ی که در سیستم رسمی و یا غیر رسمی کار می‌کنند هردو شریعت را بنیاد تصمیم‌گیری خود قرار می‌دهند. شاید در میان دو سیستم در این مورد اختلاف وجود داشته باشد که برخی از چیزهای اسلامی است، یا غیر اسلامی، ولی هردو سیستم قویاً بالای تصور عادلانه بودن نتایج تکیه می‌کنند. در بخش رسمی این موضع‌گیری بر این واقعیت استوار است که اکثریت قاضی‌ها تعلیمات رسمی خود را در رشتة حقوق اسلامی یا اسلام‌شناسی تکمیل نموده و قانون افغانستان از شریعت گرفته شده است. کسانی که در بخش غیر رسمی کار می‌کنند به این باور اند که استفاده از شورا شکل اسلامی دارد. رهبران جامعه نیز طرفین دعوا را تشویق می‌کنند که اندیشه عدالت، گذشت و بخشش که از صفات مسلمان‌های خوب است از آن خود کنند. در بعضی مناطق، مخصوصاً در بین شیعه‌ها، علمای مذهبی محلی در حل و فصل غیر رسمی دعاوی نقش بسیار عمدۀ بازی می‌کنند.

سفارشات

1. دولت میان کارهای غیر دولتی که در بر آورده شدن اهداف دولت کمک می‌کند و کار هایی که بر علیه اهداف دولت صورت می‌گیرد، باید فرق قابل شود.
2. با ایجاد رابطه مثبت میان سیستم‌های رسمی و غیر رسمی، دولت می‌تواند از نیروی مثبت شورا‌های و جرگه‌ها استفاده نموده در عین اینکه باید متین شود که از سوء استفاده‌های بسیار بد از سیستم‌های غیر دولتی جلوگیری نماید.
3. دولت باید ساحتی را مشخص نماید که معتقد است انت سیستم‌های غیر دولتی می‌توانند بسیار مثبت عمل کنند.

به گونه مثال، دعوا‌ها بر سر مالکیت زمین و ساختمان، که اکثریت دعاوی را تشکیل می‌دهند، می‌تواند با ترکیبی از سیستم‌های رسمی و غیر رسمی، به وجه بهتر حل شوند. در بسیاری حالات بخش غیر دولتی می‌تواند معلومات محلی مورد نیاز را تبیه و میان طرفین میانجی گری نماید. بخش دولتی می‌تواند برای طرفین دعوا زمینه ثبت فیصله را مساعد ساخته و فیصله را تطبیق نماید. همچنین بخش دولتی می‌تواند به حیث یک نهاد منتظره عمل نموده و در صورتی که سیستم غیر دولتی نتواند به یک فیصله قابل قبول برسد، دعوا را خود فیصله نماید.

در ساحة جرمی، دولت حق و مکلفیت تأمین عدالت را دارد. اما بخش غیر رسمی نقش مهمی را در جبران خسارت و مصالحت بازی می‌کند و این کار برای جلوگیری از خشونت بیشتر ضرور است. دولت می‌تواند دو نوع جرم را مشخص نماید: اول، آنهایی که به محاکمه نیاز دارند و نوعی مراجعه به نهادهای غیر دولتی نیز شاید بخشی عده این کار باشد (مانند، قتل)، و جرم‌هایی که از محاکمه مرتكبین آن می‌توان صرف نظر نموده و با استفاده از پروسه‌های غیر رسمی که مورد تأیید قاضی /سارنوال باشد به حل آنها پرداخت (مانند سرقت‌های کوچک).

در واقع، دولت مسئولیت گرفتن حق الله را به عهده داشته و در حالیکه سیستم غیر دولتی، جائیکه استفاده از آن عملی باشد، در جهت تأمین حق العبد کمک می‌کند.

4- دولت باید ساختی را مشخص کند که در آن تأثیر سیستم های غیر دولتی نهایت منفی است و بکوشد با آن مقابله کند.

حمایت از حقوق زن ها به ازدواج اختیاری، میراث و نجات از خشونت فامیلی باید در اولویت های کاری دولت زمانی قرار گیرد که دولت با ساختار های غیر رسمی و رواج ها معامله می کند. برنامه آگهی عame یکجا با مجازات متخلفین مشهور این پیام را میرساند که سیستم های غیر دولتی در ذات خود بد نیستند، اما کار هایی که حقوق اساسی را زیر پا می گذارند، قابل تحمل نمی باشند.

5- دسترسی زن ها به سیستم های دولتی و غیر دولتی هر دو محدود است. دولت باید دسترسی زنان به سیستم رسمی را در اولویت های کاری خود قرار دهد.

6- قدم دیگر اقدامات عملی در جهت ارئه تعریف بهتر از محدودیت های سیستم غیر رسمی و همکاری متقابل میان سیستم دولتی و غیر دولتی در موارد ذیل می باشد:

(1) تمام طرف ها، چه در سیستم رسمی و یا غیررسمی، باید از حقوق قانونی خود آگاهی داشته باشند.

(2) محاکم می توانند لیستی از قضایا را تدوین کنند که می توانند یا سفارش داده می شود که در مراجعه به سیستم غیر رسمی حل شوند. تمام پروسه ها در سیستم غیر دولتی برای همه اطراف کاملاً داوطلبانه است.

(3) فیصله های غیر رسمی باید به زبان ساده (غیر حقوقی) ثبت گردد و این فیصله ها نباید حقوق اساسی مندرجه در قانون افغانستان را نقض نمایند.

(4) محاکم می توانند به درخواست طرف های دعوا تصامیم ساختار های غیر دولتی را بررسی یا ثبت نمایند. بعد از آن این فیصله ها در محاکم قابل تطبیق اند.

(5) پروتوكولی برای استفاده از سیستم های غیر رسمی در قضایای جرمی باید تدوین شود.

(6) شورا های زن ها که به وسیله برنامه همبستگی ملی، وزارت زن ها و کمیسیون حقوق بشر افغانستان ایجاد شده، باید در جهت دستیابی زن ها به سیستم های دولتی و غیر دولتی کار نمایند.

(7) پروژه های امتحانی باید روی دست گرفته شود تا راه را برای تطبیق این سفارشات هموار سازد.

(8) دولت باید یک دستور نامه ساده را برای کسانی که در سیستم های غیر دولتی فعالیت می کنند تدوین نماید و در آن حقوق اساسی، نحوه کار محاکم و راه های تعامل سیستم های دولتی و غیر دولتی در به شکل خلاصه درج باشد.

7- از قانونگذاری های کلان یا برنامه های پالیسی سازی تا آن وقت اجتناب شود که تجربه بیشتر در مورد تطبیق این سفارشات بدست بیاید.